عزیز چوپان
2015/ 10/14

پاکستان و بازی چندگانه در منطقه

دو کشور یکی در شرق میانه و دومی در جنوب آسیا از روی یک برنامهٔ خاص استعماری بوجود آمده اند. «آرتو رجیمز بالفور» وزیر خارجهٔ انگلیس در سال 1917 بتاریخ 2 نوامبر همان سال عنوانی «روتسچیلد» رئیس فدراسیون صهیونستها نامه یی صادر نمود که بعدها عنوان اعلامیهٔ بالفور را بخود گرفت. بالفور درین نامه یا بعدها اعلامیه توافق دولت انگلیس را به تشکیل یک دولت یهودی در خاک فلسطین ابراز داشت که بالاخره در ماه می سال 1948 این دولت بوجود آمد. با آنکه انگلیس در سقوط خلافت عثمانی دست داشت (1924) و توسط کرنل لارنس که به لارنس آف عربیه شهرت دارد توانست اعراب را زیر نام اختلافات مذهبی با ترکها درگیر سازد که بعد از جنگهای خونین سرزمین عرب از خلافت عثمانی جدا شد و انگلیس از روی برنامهٔ استعماری آنرا طبق دلخواه خود تقسیم کرد و هدف آن بود تا در آینده بر منابع نفتی سرزمین عرب دسترسی داشته باشد که متأسفانه علاوه بر آنکه انگلیس بر این سرزمین به نحوی تسلط دارد بعد از جنگ دوم جهانی که امریکا گوی سبقت از انگلیس ربود، این کشور بزرگ استعماری بر کشورهای عربی بخصوص کشورهای نفت خیز تسلط کامل دارد. بعد از آنکه شوروی در سال 1991 به تحلیل رفت، امریکا مجال بیشتر غرض سیطره بر کشورهای عربی یافت.
امروز انگلیس و امریکا اسرائیل را بحیث ژاندارم منطقه استخدام کرده اند و آنرا تا به دندان مسلح ساخته اند تا جایی که حتی در ساختن اتوم آنرا کمک کرد و امروز اسرائیل یکی از کشورهای عمدهٔ دارای سلاح هستوی بشمار میرود، چنانچه در جنگ اعراب و اسرائیل، کشورهای عربی با این همه وسعت و بزرگی نتوانستند اسرائیل را شکست بدهند، بلکه خود در برابر اسرائیل شکست خوردند و انورالسادات رئیس جمهور مصر بعد از جمال عبدالناصر با امضای معاهدهٔ کمپ دیوید در برابر امریکا و اسرائیل زانو زد و کشور اسرائیل را برسمیت شناخته با آن روابط دیپلوماتیک برقرار کرد، چنانچه همین حالا اسرائیل با دست باز در امور داخلی مصر میتواند مداخله کند چنانچه در سال 1913 در سرنگونی دکتور محمد مرسی و بقدرت رسانی جنرال عبدالفتاح السیسی نقش عمده بازی کرد.
به همین ترتیب ازینکه انگلیس در جنگ اول و دوم جهانی تضعیف شد و از سوی دیگر یک مبارزهٔ وسیع هم در هند در برابر استعمار انگلیس روز به روز قوت میبافت بناًا ناچار شد تصمیم به ترک هند بگیرد؛ ولی با آن هم حاضر نبود هند را بدون کدام برنامه ترک بگوید فلهذا از یک طرف تصمیم گرفت هند را بنام مسلمان و هند تجزیه کند و از سوی دیگر یکی از گماشته های خود را در کشور جدید التأسیس بقدرت برساند چنانچه قبل از تقسیم هند محمد علی جناح را که از سر سپرده های انگلیس بود به هند گسیل داشت و برای فردا اولاً در مقام رهبری حزب مسلم لیگ و بعد از تأسیس پاکستان در مقام رهبری آن کشور قرار گرفت. مسلم لیگ در بسوی انگلیس وظیفه دارد تا نگذارد در پاکستان یک نظام اسلامی تشکیل شود و هکذا نگذارد در همسایگی اش چنین نظامی تشکیل یابد. این حزب که خود را بانی پاکستان میداند در ظاهر امر پردهٔ اسلام را بر روی انداخت ولی در باطن یک حزب لائیک است یعنی به اصطلاح هم در میخ میکوبد و هم در نعل، از همین جهت است که بعد از پیروزی جهاد مقدس ملت افغانستان در برابر کمونیزم و شوروی نگذاشت مجاهدین افغان به تشکیل یک نظام اسلامی در افغانستان دست یابند، نواز شریف که آن وقت هم صدراعظم پاکستان بود (1371ش) به اعتراف خودش اردوی افغانستان را به تحلیل برد و به این ترتیب زمینهٔ خانه جنگی در افغانستان را مهیا ساخت، نواز که شریف تخلص میکند با آنکه این تخلص را از اسم پدرش میا محمد شریف گرفته است ولی متأسفانه آن شرافت را فراموش کرد که باید با ملت افغان منحیث ملتی که در حقیقت در برابر تجاوز شوروی از خاک پاکستان نیز دفاع کرده بود و جنرال ضیاء الحق خود اذعان داشت که: «جهاد افغانستان؛ دفاع پاکستان» از در شرافت پیش میآمد. علت آن همان التزامی بود که در برابر انگلیس و بعدها امریکا داشت.
پاکستان با چنین موقفی که در برابر اسلام، نظام اسلامی و ارزشهای اسلامی، دارد با مهارت تمام از نام اسلام و ارزشهای اسلامی سوء استفاده میکند و جای تعجب و تأسف آن است که برخی به نام طالب و داعش و این نام و آن

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

نام فریب آن را خورده اند که پاکستان ما را در امر ساختن نظام اسلامی کمک میکند. پاکستان بحیث خلف صدیق انگلیس توانسته است هم امریکا را از خود راضی نگهدارد و هم انگلیس را و هم اهداف خود در منطقه را دنبال کند، از همین جهت هم با هند درگیر است و هم با افغانستان، در برابر هند مسألهٔ کشمیر را بهانه آورده است و در برابر افغانستان مساله دیورند، در حالی که پاکستان حاضر نیست کشمیر بحیث یک کشور مستقل اسلامی در منطقه عرض اندام کند، بلکه میخواهد کشمیر جزء خاک پاکستان شود در حالی که همین اکنون تعداد مسلمانان هند بیشتر از نفوس پاکستان است و چنین نیست که پاکستان میراثخوار مسلمانان هند باشد در حالی که پاکستان کدام پیشینهٔ تاریخی هم ندارد و یک کشور جدید التشکیل غرض حفظ منافع انگلیس در جنوب آسیاست که اکنون کوله بار منافع امریکا را هم غلامانه بر شانه هایش حمل میکند. اگر دارای پیشینهٔ تاریخی است، هند است نه پاکستان.
هکذا سرزمین آنسوی دیورند تا اباسین جزء لایتجزای خاک افغانستان است و حتی کشمیر تا زمان امیر دوست محمد خان جزء خاک افغانستان بود و ملتان و سند هم از سوی حاکمان افغان اداره میشد، چنانچه رنجیت سنگ از سوی شاه شجاع بحیث حاکم پنجاب مقرر شده بود، پس پاکستان با کدام منطق خود را وارث سرزمین آنسوی دیواند میداند؟
البته هند در برابر پاکستان یک موقف روشن و سنجیده شده دارد؛ ولی متأسفانه این حاکمان افغانستان اند که همیشه در برابر پاکستان یک سیاست متزلزل وغیر ثابت را تعقیب کرده اند و شرایط بسیار ثمر بخش را نادیده گرفته، چانسهای خوبی را مس کرده اند چنانچه گپ بجایی رسید که امروز حاکمان ما با پاکستان توافقنامه های استخباراتی امضا میکنند و با وجود دشمنیهای آشکار پاکستان لب فرو بسته اند و نمیدانند که چه موقفی را اختیار کنند. امروز چه کسی میتواند ازین حقیقت انکار کند که در عقب پروژه های طالب و داعش علاوه بر غرب دست کثیف پاکستان است چنانچه اینک دست جنرالان پاکستانی تا کندز- بدخشان و فاریاب هم رسیده است. امیدوارم دولت افغانستا در سیاستهای خود تجدید نظر کند. تنظیمهای جهادی و ملی که امروز در برابر طالب و داعش تصمیم به ایستادن میگیرد، باید به دولت هم بگوید که از موقف گنگ در برابر پاکستان و باداران غربیش دست بردارد، در کندز شفاخانه بمبارد میشود، دکتوران و دیگر پرسرنل طبی همراه با مریضان کشته میشوند ولی فضای ارگ را خموشی ذلیلانه فرار گرفته است؛ چرا؟

پایان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ